

An Analysis of the Policies and Perspectives of Shi'a and Sunni Jurists on Divorce Due to Hardship ('Usr wa Ḥaraj), with a View to Iranian Civil Law

Esmaeel Dorri Kafrani¹
Mahmoud Qayyumzadeh²
Samira Golkhandan³

Received: 5 January 2025

Reception: 13 July 2025

Abstract


This article examines the concept of Indigestion and embarrassment in Islamic jurisprudence and its impact on the right to divorce among women. The purpose of this research is to explain the views of Shiite and Sunni jurists regarding divorce due to Indigestion and embarrassment and to examine the examples and jurisprudential foundations related to it. The method of work was analytical-descriptive and data were collected and analyzed using reliable library and jurisprudential sources. The findings show that in Islamic jurisprudence, although the right to divorce is generally reserved for men, in situations where life becomes unbearable for a woman and is an example of Indigestion and embarrassment, she can also request a divorce. In Shiite jurisprudence, the role of the Sharia judge in implementing this divorce is prominent, and this issue is explained by citing the rule of "no harm" and "no hardship". In contrast, in Sunni jurisprudence, some schools, especially Maliki, allow a woman to directly request a divorce from a judge. On the other hand, examples of hardship include cases such as non-payment of alimony, abuse and violence, terminal illnesses of the husband, and prolonged absence of the husband. This study shows that both schools of jurisprudence pay attention to the issue of women's rights in Indigestion and embarrassment situations, and the differences and similarities between them indicate the dynamics of Islamic jurisprudence in dealing with family issues. This study also provides suggestions for reforming family laws based on Islamic jurisprudence in order to protect women in Indigestion and embarrassment situations.


Keywords: Sunnis, women's rights, Shiites, divorce, Indigestion and embarrassment, Islamic jurisprudence.


¹PhD student in Theology and Islamic Studies, Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Department of Law, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran
²Professor, Department of Theology and Islamic Studies, Faculty of Humanities, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran (Corresponding author)
³Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran

<http://doi.org/0.30510/pscci.2025.527511.1293>

تبیین سیاست‌ها و دیدگاه‌های فقهای شیعه و اهل سنت در خصوص طلاق ناشی از عسر و حرج با نگاهی به حقوق مدنی ایران

اسماعیل دری کفرانی  تاریخ دریافت: ۱۶/۱۰/۱۴۰۳

محمود قیوم زاده  تاریخ پذیرش: ۲۲/۰۴/۱۴۰۴

سمیرا گل خندان 

چکیده

این مقاله به بررسی مفهوم عسر و حرج در فقه اسلامی و تأثیر آن بر حق طلاق در میان زنان می‌پردازد. هدف از این پژوهش، تبیین دیدگاه‌های فقهای شیعه و اهل سنت در خصوص طلاق ناشی از عسر و حرج و بررسی مصادیق و مبانی فقهی مرتبط با آن است. روش کار به صورت تحلیلی-توصیفی انجام شده و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و فقهی معتبر، به جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها پرداخته شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که در فقه اسلامی، هرچند حق طلاق به طور کلی به مرد اختصاص دارد، اما در شرایطی که زندگی برای زن غیرقابل تحمل می‌شود و مصداق عسر و حرج قرار می‌گیرد، او نیز می‌تواند درخواست طلاق کند. در فقه شیعه، نقش حاکم شرع در اجرای این طلاق برجسته است و این موضوع با استناد به قاعده «لا ضرر» و «لا حرج» توضیح داده می‌شود. در مقابل، در فقه اهل سنت، برخی مذاهب، به‌ویژه مذهب مالکی، به زن اجازه می‌دهند که به‌طور مستقیم از قاضی درخواست طلاق کند. از سوی دیگر، مصادیق عسر و حرج شامل مواردی همچون عدم پرداخت نفقه، بدرفتاری و خشونت، بیماری‌های لاعلاج شوهر و غیبت طولانی شوهر می‌شود. این بررسی نشان می‌دهد که هر دو مکتب فقهی به‌نوعی به مسأله حقوق زنان در شرایط عسر و حرج توجه دارند و تفاوت‌ها و شباهت‌های موجود میان آن‌ها نشان‌دهنده پویایی فقه اسلامی در مواجهه با مسائل خانوادگی است. این تحقیق همچنین پیشنهاداتی برای اصلاح قوانین خانواده بر اساس فقه اسلامی به‌منظور حمایت از زنان در شرایط عسر و حرج ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: اهل سنت، حقوق زنان، شیعه، طلاق، عسر و حرج، فقه اسلامی.

دانشجوی دکتری الهیات و معارف اسلامی گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی، گروه حقوق، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران. Esmacel.dorri@iau.ac.ir

استاد گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشکده علوم انسانی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران (نویسنده مسئول). maaref@iau-saveh.ac.ir

استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران. S.golkhandan@iau.ac.ir

در فقه اسلامی، طلاق به عنوان یکی از مسائل مهم و حساس خانوادگی همواره مورد توجه قرار گرفته است. طلاق نه تنها در بُعد اجتماعی بلکه از نظر شرعی نیز دارای اهمیت فراوانی است و تحت شرایط خاص و با احکام ویژه‌ای انجام می‌گیرد. از دیدگاه فقهی، طلاق اصولاً در دست مرد است و اوست که می‌تواند همسر خود را طلاق دهد. این موضوع در هر دو مکتب فقهی شیعه و اهل سنت مشاهده می‌شود. با این حال، در برخی موارد خاص که زندگی زناشویی برای زن به شدت دشوار و غیرقابل تحمل می‌شود، امکان درخواست طلاق از سوی زن نیز در نظر گرفته شده است. یکی از مهم‌ترین این موارد، طلاق ناشی از عسر و حرج است. عسر و حرج، به معنای سختی و دشواری غیرقابل تحمل، یکی از مفاهیمی است که در فقه اسلامی برای تعیین شرایطی به کار می‌رود که در آن زن قادر به ادامه زندگی مشترک نیست. بر اساس اصول فقهی، در صورتی که ادامه زندگی زناشویی برای زن به دلیل شرایطی مانند بدرفتاری شوهر، عدم تأمین نیازهای مالی یا عدم رعایت حقوق زناشویی غیرممکن یا بسیار دشوار شود، او می‌تواند به دادگاه مراجعه کرده و درخواست طلاق کند (محمدی و همکاران، ۱۳۹۹). در فقه شیعه، این موضوع تحت قاعده‌های فقهی «لا ضرر» و «لا حرج» مورد بحث قرار گرفته و در شرایطی که شوهر حاضر به طلاق نیست، حاکم شرع می‌تواند به جای او زن را طلاق دهد (مظفری، ۱۳۹۸). این نوع طلاق که به دلیل وجود شرایط عسر و حرج انجام می‌گیرد، دارای ریشه‌های فقهی قوی است و در حقوق اسلامی مورد پذیرش قرار گرفته است. در فقه اهل سنت نیز مسأله عسر و حرج به رسمیت شناخته شده است. در برخی از مذاهب اهل سنت مانند مالکیه، شرایطی که زن قادر به ادامه زندگی نباشد، به او اجازه می‌دهد که از قاضی درخواست طلاق کند. هرچند که حق طلاق در این مذهب نیز اصولاً در دست مرد است، اما در مواردی که زندگی زناشویی به دلیل مشکلاتی همچون عدم تأمین نفقه، بدرفتاری یا بیماری‌های شدید برای زن غیرقابل تحمل می‌شود، زن می‌تواند به دادگاه مراجعه کرده و درخواست طلاق نماید (عبدالله و همکاران، ۱۴۰۰). در این میان، دیدگاه‌های مذاهب مختلف اهل سنت مانند حنفی، شافعی، مالکی و حنبلی در مورد مصادیق عسر و حرج و نحوه اجرای طلاق تفاوت‌هایی دارند که نیازمند بررسی دقیق است (کریمی، ۱۴۰۱). این مقاله در نظر دارد با تحلیل و بررسی دیدگاه‌های

فقه‌های شیعه و اهل سنت در خصوص طلاق ناشی از عسر و حرج، به بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌های موجود میان این دو مکتب فقهی پردازد. در این راستا، مبانی فقهی، مصادیق عسر و حرج و نحوه اعمال حق طلاق توسط زن در هر یک از این مکاتب مورد بررسی قرار می‌گیرد تا به شناخت دقیق‌تری از جایگاه طلاق در شرایط عسر و حرج در فقه اسلامی برسیم.

پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش درباره مفهوم عسر و حرج در فقه اسلامی و تأثیر آن بر حق طلاق، به بررسی دیدگاه‌های مختلف فقها و پژوهشگران در این زمینه پرداخته است. در زیر به شش مورد از مهم‌ترین تحقیقات و منابع موجود در این خصوص اشاره شده است:

الهی، مهدی (۱۴۰۱)، در تحقیق خود، مفهوم عسر و حرج را به‌عنوان یکی از معیارهای اساسی در فقه شیعه بررسی کرده و بر اهمیت قاعده «لا حرج» در تعیین حق طلاق از سوی زنان تأکید کرده است. این مطالعه به تحلیل شرایطی می‌پردازد که زن می‌تواند درخواست طلاق کند و نقش حاکم شرع را در این زمینه بررسی می‌کند.

مظفری، حسن (۱۴۰۰)، این پژوهش به بررسی مصادیق عسر و حرج در فقه شیعه می‌پردازد و به تبیین شرایطی می‌پردازد که منجر به ایجاد عسر و حرج برای زن می‌شود. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که عدم پرداخت نفقه و بدرفتاری از سوی شوهر، از مهم‌ترین مصادیق عسر و حرج به حساب می‌آیند.

کریمی، علی (۱۴۰۱)، در این تحقیق، تأثیر عسر و حرج بر حق طلاق در فقه اهل سنت بررسی شده و تفاوت‌های موجود میان مذاهب چهارگانه (حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی) در این زمینه مورد تحلیل قرار گرفته است. پژوهش به این نتیجه می‌رسد که مذهب مالکی به‌ویژه در این زمینه، رویکرد بازتری دارد.

محمدی، سارا (۱۳۹۹)، این مقاله به بررسی وضعیت حقوق زنان در موارد عسر و حرج در فقه اهل سنت می‌پردازد و به تحلیل شرایطی می‌پردازد که در آن زن می‌تواند به‌طور مستقیم از قاضی درخواست طلاق کند. مطالعه نشان می‌دهد که محدودیت‌های متفاوتی در این زمینه وجود دارد که بسته به مذهب متغیر است.

عباسی، فاطمه (۱۴۰۰)، در این پژوهش، به بررسی تأثیرات اجتماعی و اقتصادی عسر و حرج بر تصمیم‌گیری‌های زنان پرداخته شده است. این تحقیق به تحلیل این موضوع می‌پردازد که نهادهای حمایتی چگونه می‌توانند در شرایط عسر و حرج به زنان کمک کنند و نقش حاکم شرع در حمایت از حقوق آنان را بررسی می‌کند.

نعیمی، رضا (۱۴۰۲)، این مطالعه به بررسی جنبه‌های فقهی و اجتماعی عسر و حرج و تأثیر آن بر طلاق پرداخته و به مصادیق مختلف این مفهوم در زندگی روزمره زنان اشاره می‌کند. این تحقیق به‌ویژه بر اهمیت توجه به بسترهای اجتماعی و فرهنگی در تفسیر عسر و حرج تأکید دارد.

در فقه اسلامی، مفهوم «عسر و حرج» یکی از اصول بنیادی است که برای تسهیل در اجرای احکام شرعی در مواردی که رعایت احکام باعث سختی و مشقت می‌شود، مورد استفاده قرار می‌گیرد. این مفهوم بر اساس قاعده‌های فقهی مانند «قاعده نفی حرج» و «قاعده لا ضرر» استوار شده و به‌طور خاص در مواردی مانند طلاق و عبادات کاربرد فراوان دارد. در این مقاله، به بررسی جامع مفهوم عسر و حرج در فقه اسلامی پرداخته شده و مبانی قرآنی و روایی آن با توجه به قاعده فقهی «لا ضرر و لا حرج» و نقش آن در مسئله طلاق توضیح داده شده است.

مفهوم عسر و حرج در فقه اسلامی

از نظر لغوی، کلمه «عسر» به معنای سختی، دشواری و مضیق‌آمده است و در مقابل آن کلمه «یسر» به معنای آسانی قرار دارد. کلمه «حرج» نیز به معنای تنگنا، محدودیت و دشواری زیاد است. در فقه اسلامی، این دو واژه به‌طور مشترک برای اشاره به شرایطی به کار می‌روند که در آن فرد به دلیل مشکلات و مشقت‌های زیاد، قادر به اجرای برخی از احکام شرعی نیست. به همین دلیل، در مواردی که اجرای حکم شرعی برای فرد منجر به سختی و مشقت غیرقابل تحمل شود، با استناد به قاعده عسر و حرج، آن حکم ممکن است لغو یا تسهیل گردد (حسینی، ۱۳۹۹). یکی از منابع اصلی این قاعده در فقه اسلامی، قرآن کریم است. آیات متعددی در قرآن بر لزوم رفع سختی و ایجاد آسانی برای انسان‌ها در مسیر دینداری تأکید دارد. از جمله مهم‌ترین این آیات، آیه ۲۳۳ سوره بقره است که به زنان توصیه می‌کند که در صورت طلاق و تمایل به شیردهی، این کار را به صورت عادلانه انجام دهند و هیچ‌یک از والدین نباید بر دیگری دشواری و مشقت تحمیل کند: «لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَالِدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَالِدِهِ». همچنین، آیه دیگری از سوره

حج بر این نکته تأکید می‌کند که خداوند برای شما در دین هیچ‌گونه تنگنا و سختی قرار نداده است: «ما جعل علیکم فی الدین من حرج» (حج: ۷۸). این آیات نشان‌دهنده نگرانی قرآن از ایجاد مشقت و سختی برای مسلمانان در اجرای احکام شرعی است (مظفری، ۱۴۰۰). روایات و احادیث نبوی نیز به وضوح به این موضوع پرداخته‌اند. پیامبر اسلام (ص) در حدیثی معروف فرمود: «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» که به معنای این است که هیچ ضرر و زیانی در اسلام پذیرفته نیست. این حدیث یکی از مبانی اصلی قاعده «نفی ضرر» در فقه اسلامی است که در کنار قاعده «نفی حرج» به کار می‌رود. در این زمینه، فقها معتقدند که در مواردی که اجرای یک حکم شرعی برای فرد یا جامعه ضرر یا مشقت شدید به دنبال داشته باشد، آن حکم یا تعدیل می‌شود یا به طور کامل لغو می‌گردد (کریمی، ۱۴۰۱). قاعده فقهی «لا ضرر و لا حرج» یکی از مهم‌ترین قواعد فقه اسلامی است که از حدیث نبوی «لا ضرر و لا ضرار» گرفته شده و به عنوان یک اصل کلی در فقه به کار می‌رود. بر اساس این قاعده، هرگاه اجرای یک حکم شرعی برای فرد یا جامعه منجر به ضرر یا مشقت شدید شود، آن حکم از حالت الزام‌آور خارج شده و ممکن است با تسهیل یا تعدیل مواجه شود. در فقه شیعه و اهل سنت، این قاعده به عنوان یکی از اصول پایه‌ای برای جلوگیری از سختی‌ها و مشقت‌های غیرضروری در دینداری شناخته می‌شود (محمدی و همکاران، ۱۳۹۹). در مسئله طلاق، قاعده عسر و حرج یکی از مهم‌ترین موارد کاربرد خود را نشان می‌دهد. در بسیاری از موارد، زنان به دلیل سختی‌ها و مشقت‌هایی که در زندگی زناشویی با آن مواجه هستند، به دنبال جدایی از همسر خود هستند. این مسئله به‌ویژه در مواردی که شوهر از تأمین نیازهای مالی زن خودداری می‌کند، یا رفتارهای نامناسب و آزاردهنده از خود نشان می‌دهد، مطرح می‌شود. بر اساس قاعده عسر و حرج، اگر زن در زندگی زناشویی با شرایطی مواجه شود که ادامه زندگی برای او غیرقابل تحمل باشد، می‌تواند به دلیل عسر و حرج از شوهر خود درخواست طلاق کند. در فقه شیعه، این موضوع به عنوان یکی از دلایل مهم برای درخواست طلاق از سوی زن شناخته شده است و در صورت احراز شرایط عسر و حرج، حاکم شرع می‌تواند زن را طلاق دهد (عبدالله و همکاران، ۱۴۰۰). یکی از دلایلی که قاعده عسر و حرج به‌طور خاص در مسئله طلاق مورد استفاده قرار می‌گیرد، این است که در اسلام به‌طور کلی طلاق به عنوان آخرین راه‌حل در نظر گرفته می‌شود. طلاق در اسلام عملی مکروه است،

اما در شرایطی که ادامه زندگی برای یکی از طرفین (معمولاً زن) غیرقابل تحمل باشد، می‌توان از آن استفاده کرد. قاعده عسر و حرج به عنوان یک ابزار فقهی به زنان اجازه می‌دهد که در شرایط دشوار از حقوق خود استفاده کرده و از ازدواجی که برای آن‌ها مشقت‌های زیادی به دنبال دارد، جدا شوند (مظفری، ۱۳۹۸). یکی دیگر از موارد مهم که قاعده عسر و حرج در آن نقش دارد، مسئله عبادات است. برای مثال، در فقه اسلامی، اگر روزه‌داری برای فرد به دلیل بیماری یا ضعف جسمانی منجر به مشقت شدید شود، او می‌تواند از روزه گرفتن معاف شود. همچنین، در مواردی که حج به دلیل مشکلات مالی یا جسمانی برای فرد غیرقابل تحمل باشد، او می‌تواند این واجب دینی را به تعویق بیندازد یا در شرایط خاصی به‌طور کامل از آن معاف شود. این موارد همگی نشان‌دهنده اهمیت قاعده عسر و حرج در تسهیل اجرای احکام شرعی هستند (کریمی، ۱۴۰۱).

دیدگاه فقهای شیعه در خصوص طلاق ناشی از عسر و حرج

در فقه شیعه، طلاق به عنوان یک حق شرعی در دست مرد قرار دارد و مرد است که می‌تواند بدون نیاز به دلیل خاصی همسر خود را طلاق دهد. اما در مقابل، زن تنها در شرایط خاصی می‌تواند درخواست طلاق کند که یکی از این شرایط، عسر و حرج است. عسر و حرج در فقه به وضعیتی اشاره دارد که در آن زندگی زناشویی به دلیل مشکلات و مشقت‌های غیرقابل تحمل برای زن ادامه پیدا نمی‌کند. به همین دلیل، فقیهان شیعه با استناد به قواعدی همچون «لا حرج» و «لا ضرر» این امکان را فراهم کرده‌اند که در صورت وقوع عسر و حرج، زن بتواند درخواست طلاق کند و در صورت عدم همکاری شوهر، حاکم شرع وارد عمل شود. در فقه شیعه، طلاق به عنوان یک حق شرعی و قانونی در دست مرد قرار دارد. این موضوع در متون فقهی به طور گسترده‌ای تبیین شده است. به عنوان مثال، بر اساس آیات قرآن و سنت پیامبر (ص)، مرد به عنوان مسئول خانواده و تأمین‌کننده نیازهای اقتصادی و معنوی همسر و فرزندان خود، این حق را دارد که تصمیم به طلاق بگیرد. در عین حال، اجرای این حق باید بر اساس عدالت و انصاف باشد و نباید به گونه‌ای باشد که به حقوق و کرامت زن لطمه وارد شود (حسینی، ۱۳۹۹). از دیدگاه فقهای شیعه، عسر و حرج یکی از دلایل مشروع برای درخواست طلاق از سوی زن است. به‌ویژه زمانی که ادامه زندگی زناشویی به دلیل مشکلات و مشقت‌های زیاد برای زن غیرقابل تحمل می‌شود، او می‌تواند به استناد این قاعده درخواست طلاق کند. عسر

و حرج می‌تواند به دلایل مختلفی مانند بدرفتاری شوهر، عدم تأمین نیازهای مالی و جسمی زن، یا غیبت طولانی شوهر به وجود آید. این موضوع در فقه شیعه به عنوان یکی از دلایل مشروع طلاق شناخته شده و در صورت اثبات آن، حاکم شرع می‌تواند زن را طلاق دهد (مظفری، ۱۴۰۰). مبانی فقهی عسر و حرج در فقه شیعه بر اساس دو قاعده مهم «لا حرج» و «لا ضرر» استوار است. قاعده «لا حرج» که از قرآن و روایات اهل بیت (ع) استخراج شده، بیان می‌کند که دین اسلام نباید برای پیروان خود تنگنا و سختی ایجاد کند. به عنوان مثال، آیه ۷۸ سوره حج به وضوح تأکید می‌کند که خداوند در دین هیچ‌گونه تنگنا و مشقتی قرار نداده است: «ها جعل علیکم فی الدین من حرج». همچنین، قاعده «لا ضرر» که از حدیث مشهور پیامبر (ص) «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» گرفته شده، بر این موضوع تأکید دارد که در اسلام هیچ حکمی نباید موجب ضرر یا مشقت برای فرد یا جامعه شود (کریمی، ۱۴۰۱). فقهای شیعه مصادیق متعددی را برای عسر و حرج در زندگی زناشویی مطرح کرده‌اند. یکی از مهم‌ترین این مصادیق، عدم پرداخت نفقه است. نفقه به عنوان حق زن بر شوهر، شامل تأمین نیازهای مالی، مسکن، خوراک، پوشاک و سایر نیازهای اساسی زن است. در صورتی که شوهر از پرداخت نفقه خودداری کند و این امر باعث ایجاد سختی و مشقت برای زن شود، زن می‌تواند به دلیل عسر و حرج درخواست طلاق کند (عبدالله، ۱۴۰۰). یکی دیگر از مصادیق عسر و حرج، بدرفتاری جسمی و روحی شوهر با زن است. در مواردی که شوهر با زن بدرفتاری می‌کند، او را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهد یا به او آسیب‌های روانی می‌رساند، این موضوع می‌تواند به عنوان مصداقی از عسر و حرج در نظر گرفته شود. فقهای شیعه معتقدند که زندگی زناشویی باید مبتنی بر محبت، احترام و عدالت باشد و هرگونه خشونت جسمی یا روحی با اصول اسلامی در تضاد است. بنابراین، اگر زن به دلیل این بدرفتاری‌ها در وضعیت عسر و حرج قرار گیرد، او می‌تواند درخواست طلاق کند (مظفری، ۱۳۹۸). غیبت طولانی شوهر یکی دیگر از مصادیق عسر و حرج است. در فقه شیعه، اگر شوهر به مدت طولانی (به عنوان مثال بیش از چهار سال) از همسر خود غایب باشد و هیچ خبری از او در دست نباشد، زن می‌تواند به دلیل عسر و حرج از حاکم شرع درخواست طلاق کند. این مسئله به‌ویژه در شرایطی که شوهر در طول این مدت هیچ‌گونه نفقه‌ای به زن نمی‌پردازد یا زن در وضعیت نامساعد اقتصادی قرار دارد، اهمیت بیشتری پیدا

می‌کند (حسینی، ۱۴۰۰). بیماری‌های لاعلاج و سخت شوهر نیز می‌تواند به عنوان مصداق عسر و حرج در زندگی زناشویی در نظر گرفته شود. در مواردی که شوهر به دلیل ابتلا به بیماری‌های لاعلاج یا سخت قادر به تأمین نیازهای جسمی، روانی یا مالی زن نیست، این موضوع می‌تواند به عنوان دلیلی برای درخواست طلاق از سوی زن مطرح شود. فقهای شیعه در این زمینه معتقدند که زن در صورت مواجهه با چنین وضعیتی حق دارد از زندگی زناشویی که برای او غیرقابل تحمل شده، خارج شود (محمدی و همکاران، ۱۳۹۹). نقش حاکم شرع در اجرای طلاق در صورت عدم همکاری شوهر یکی از مهم‌ترین مسائل مطرح در فقه شیعه است. در بسیاری از موارد، شوهر از دادن طلاق به زن خودداری می‌کند، حتی اگر زن در وضعیت عسر و حرج قرار داشته باشد. در چنین شرایطی، حاکم شرع به عنوان نماینده دینی و قانونی می‌تواند وارد عمل شود و در صورت اثبات عسر و حرج، به جای شوهر زن را طلاق دهد. این مسئله نشان‌دهنده اهمیت نقش حاکم شرع در حمایت از حقوق زنان در فقه شیعه است (عبدالله، ۱۴۰۰).

دیدگاه فقهای اهل سنت در خصوص طلاق ناشی از عسر و حرج

در فقه اهل سنت، طلاق به‌طور کلی در دست مرد قرار دارد و اوست که می‌تواند همسر خود را طلاق دهد. با این حال، در مواردی که زن با مشکلات و مشقت‌های زیادی روبروست، برخی از فقهای اهل سنت امکان درخواست طلاق از سوی زن را تحت شرایط خاص پذیرفته‌اند. عسر و حرج یکی از دلایل مهمی است که زن می‌تواند به استناد آن درخواست طلاق کند. هرچند مذاهب چهارگانه اهل سنت (حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی) در برخورد با مسئله عسر و حرج تفاوت‌هایی دارند، اما به‌طور کلی این مفهوم در تمامی این مذاهب پذیرفته شده و مورد استفاده قرار گرفته است. در فقه اهل سنت، حق طلاق در دست مرد است و او می‌تواند به اختیار خود، با رعایت شرایط شرعی، همسرش را طلاق دهد. این موضوع در متون فقهی اهل سنت به‌ویژه در مذاهب حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی به تفصیل بیان شده است. در مذهب حنفی، مرد بدون نیاز به دلیل خاصی می‌تواند زن را طلاق دهد، اما باید تمامی شرایط و مقررات مربوط به طلاق را رعایت کند تا این طلاق صحیح باشد. در مذاهب مالکی و شافعی نیز مرد دارای این حق است و تنها در موارد خاصی زن می‌تواند درخواست طلاق کند. در مذهب حنبلی، همچنین طلاق در دست مرد قرار دارد، اما

زنان در شرایط خاص از جمله عسر و حرج می‌توانند درخواست طلاق کنند (الهی، ۱۳۹۹). فقهای اهل سنت، به‌ویژه در مذاهب چهارگانه، عسر و حرج را به عنوان دلیلی مشروع برای درخواست طلاق از سوی زن پذیرفته‌اند. در مواردی که زن به دلیل مشکلات جدی و مشقت‌های فراوانی در زندگی زناشویی قرار دارد، او می‌تواند به دادگاه یا قاضی شرعی مراجعه کرده و درخواست طلاق کند. عسر و حرج ممکن است به دلایل مختلفی از جمله عدم پرداخت نفقه، بیماری شوهر، ترک زندگی زناشویی توسط شوهر یا بدرفتاری و خشونت شوهر به وجود آید. این شرایط در مذاهب اهل سنت مورد توجه قرار گرفته و فقیهان هر یک از این مذاهب با استناد به قواعد فقهی خود، به زن حق درخواست طلاق در این شرایط را داده‌اند (کریمی، ۱۴۰۰). در فقه اهل سنت، یکی از مصادیق عسر و حرج عدم پرداخت نفقه است. نفقه به‌عنوان حق شرعی زن در فقه اهل سنت نیز مطرح شده و شوهر موظف است نیازهای مالی زن از جمله خوراک، پوشاک، مسکن و سایر نیازهای اساسی را تأمین کند. در صورتی که شوهر از پرداخت نفقه خودداری کند و زن به دلیل این امر در وضعیت مشقت قرار گیرد، او می‌تواند به دلیل عسر و حرج درخواست طلاق کند. به‌ویژه در مذهب مالکی این موضوع به‌صورت گسترده‌تری مطرح شده و زن در چنین شرایطی حق درخواست طلاق دارد (عبدالله، ۱۳۹۸). بیماری شوهر یکی دیگر از مصادیق عسر و حرج در فقه اهل سنت است. در شرایطی که شوهر به دلیل بیماری‌های لاعلاج یا سخت، قادر به انجام وظایف خود در زندگی زناشویی نیست و این امر باعث مشقت‌های زیادی برای زن می‌شود، او می‌تواند درخواست طلاق کند. این مسئله در مذاهب حنبلی و شافعی به‌طور خاص مورد توجه قرار گرفته است. فقیهان اهل سنت معتقدند که زن نباید در شرایطی که زندگی با شوهر بیمار برای او غیرقابل تحمل شده، مجبور به ادامه زندگی باشد و می‌تواند در چنین شرایطی از حق خود برای درخواست طلاق استفاده کند (الهی، ۱۴۰۱). ترک زندگی زناشویی توسط شوهر نیز یکی از دلایل مهمی است که زن می‌تواند به دلیل عسر و حرج درخواست طلاق کند. در مواردی که شوهر بدون دلیل موجه زن را ترک می‌کند و به مدت طولانی از خانه غایب می‌شود، زن می‌تواند به قاضی مراجعه کرده و درخواست طلاق کند. این موضوع به‌ویژه در مذاهب مالکی و حنبلی بیشتر مورد تأکید قرار گرفته است و زن در صورت غیبت طولانی شوهر می‌تواند از حق خود برای درخواست طلاق استفاده کند (محمدی،

۱۳۹۹). بدرفتاری و خشونت شوهر نیز از دیگر مصادیق عسر و حرج در فقه اهل سنت است. در شرایطی که شوهر زن را مورد آزار و اذیت جسمی یا روحی قرار می‌دهد و زندگی زناشویی برای زن غیرقابل تحمل می‌شود، او می‌تواند به دلیل عسر و حرج درخواست طلاق کند. فقیهان اهل سنت در تمامی مذاهب چهارگانه این موضوع را به رسمیت شناخته و تأکید کرده‌اند که زندگی زناشویی باید بر اساس محبت و احترام متقابل باشد و هرگونه بدرفتاری و خشونت با اصول شرعی در تضاد است. به همین دلیل، زن در صورت مواجهه با خشونت می‌تواند از حق خود برای درخواست طلاق استفاده کند (مظفری، ۱۴۰۰). در بین مذاهب اهل سنت، تفاوت‌هایی در برخورد با موضوع عسر و حرج وجود دارد. به‌عنوان مثال، در مذهب حنفی، درخواست طلاق از سوی زن به دلیل عسر و حرج کمتر مورد توجه قرار گرفته و مرد بیشتر حق طلاق دارد. اما در مذهب مالکی، زن در موارد بیشتری از جمله عدم پرداخت نفقه، بیماری شوهر و ترک زندگی زناشویی توسط شوهر حق درخواست طلاق دارد. در مذهب شافعی نیز زن در صورت مواجهه با عسر و حرج می‌تواند به دادگاه مراجعه کرده و درخواست طلاق کند، اما شرایط آن محدودتر از مذهب مالکی است. در مذهب حنبلی، زن در صورت مواجهه با مشکلات جدی در زندگی زناشویی و عسر و حرج می‌تواند از حق خود برای درخواست طلاق استفاده کند و قاضی نیز می‌تواند حکم به طلاق دهد (عبدالله، ۱۴۰۰). ه‌طور کلی، عسر و حرج به‌عنوان یکی از دلایل مهم طلاق در فقه اهل سنت به رسمیت شناخته شده و فقیهان اهل سنت با استناد به اصول و قواعد فقهی خود، این امکان را فراهم کرده‌اند که زن در شرایط سخت و غیرقابل تحمل بتواند از زندگی زناشویی خارج شود. هرچند در برخورد با این مسئله تفاوت‌هایی میان مذاهب چهارگانه وجود دارد، اما همگی در پذیرش این قاعده به‌عنوان یکی از دلایل مشروع برای طلاق از سوی زن توافق دارند.

مقایسه دیدگاه‌های فقهای شیعه و اهل سنت

فقهای شیعه و اهل سنت هر دو در فقه اسلامی به مسئله طلاق ناشی از عسر و حرج توجه کرده‌اند و آن را به‌عنوان یکی از دلایل موجه برای درخواست طلاق از سوی زن پذیرفته‌اند. با این حال، در تفسیر مصادیق عسر و حرج و نحوه اجرای این طلاق تفاوت‌هایی میان این دو مکتب وجود دارد که در این بخش به بررسی دقیق شباهت‌ها و تفاوت‌های دیدگاه‌های فقهای شیعه و اهل سنت پرداخته خواهد شد. یکی از

شباهت‌های بارز میان فقهای شیعه و اهل سنت، پذیرش عسر و حرج به عنوان دلیلی برای طلاق است. هر دو گروه از فقها بر این باورند که در شرایطی که زن با مشقت‌ها و سختی‌های جدی در زندگی زناشویی روبه‌رو می‌شود و این مشقت‌ها زندگی او را غیرقابل تحمل می‌کند، او حق دارد درخواست طلاق کند. این موضوع در فقه شیعه بر اساس قاعده «لا حرج» و «لا ضرر» به رسمیت شناخته شده است و در فقه اهل سنت نیز با استناد به همین قواعد و اصول، عسر و حرج به عنوان دلیلی مشروع برای طلاق پذیرفته شده است (عباسی، ۱۴۰۰). نقش قاضی یا حاکم شرع در اجرای طلاق نیز در هر دو مکتب فقهی از شباهت‌های مهم به شمار می‌رود. در فقه شیعه، اگر شوهر از طلاق دادن همسر خود خودداری کند و زن به دلیل عسر و حرج در زندگی زناشویی درخواست طلاق داشته باشد، حاکم شرع می‌تواند به عنوان نماینده خداوند در زمین حکم به طلاق دهد و بدون رضایت شوهر، طلاق را اجرایی کند. این موضوع در فقه اهل سنت نیز پذیرفته شده است و قاضی شرعی می‌تواند در مواردی که زن با مشقت‌های زیادی روبه‌رو است، حکم به طلاق دهد (الهی، ۱۴۰۱). در مورد تفاوت‌ها، نخستین تفاوت مهم در مصادیق و محدوده عسر و حرج در دو مکتب فقهی است. در فقه شیعه، مصادیق عسر و حرج به‌طور گسترده‌ای تعریف شده و شامل مواردی چون عدم پرداخت نفقه، بدرفتاری جسمی و روحی، غیبت طولانی شوهر و بیماری‌های سخت و لاعلاج شوهر می‌شود. این در حالی است که در فقه اهل سنت، مصادیق عسر و حرج بسته به مذاهب‌های مختلف تفاوت‌هایی دارد. به‌عنوان مثال، در مذهب مالکی، مصادیق بیشتری برای عسر و حرج تعریف شده است و زن در مواردی مانند ترک زندگی زناشویی توسط شوهر یا حتی بیماری‌های روانی شوهر نیز می‌تواند درخواست طلاق کند. اما در مذهب حنفی، این موارد محدودتر بوده و زن تنها در موارد خاصی مانند عدم پرداخت نفقه یا بیماری شوهر می‌تواند درخواست طلاق کند (مظفری، ۱۳۹۹). تفاوت دیگر در نحوه اعمال حق طلاق از سوی زن است. در فقه شیعه، طلاق به‌طور کلی در دست مرد قرار دارد و او است که باید همسر خود را طلاق دهد. اما در موارد عسر و حرج، زن می‌تواند به حاکم شرع مراجعه کرده و درخواست طلاق کند. اگر حاکم شرع به این نتیجه برسد که زن در وضعیت عسر و حرج قرار دارد، می‌تواند بدون نیاز به رضایت شوهر حکم به طلاق دهد. این موضوع در فقه اهل سنت نیز وجود دارد، اما در برخی از مذاهب اهل سنت، نظیر مذهب حنفی،

زن باید ابتدا به تلاش‌های مختلفی برای حل مشکل دست بزند و تنها در صورتی که این تلاش‌ها ناکام بماند، می‌تواند درخواست طلاق کند. در مقابل، در مذهب مالکی، زن از آزادی بیشتری برای درخواست طلاق به دلیل عسر و حرج برخوردار است و نیازی به گذراندن مراحل طولانی حل مشکل ندارد (الهی، ۱۴۰۰). شرایط فقهی خاص هر مذهب در تعیین مصادیق عسر و حرج نیز از دیگر تفاوت‌های مهم میان فقهای شیعه و اهل سنت است. در فقه شیعه، قواعد فقهی «لا ضرر» و «لا حرج» به‌طور خاص در تبیین مصادیق عسر و حرج مورد استفاده قرار می‌گیرند. بر اساس این قواعد، هرگونه ضرر و مشقتی که به زن وارد شود و زندگی او را غیرقابل تحمل کند، می‌تواند به‌عنوان دلیل موجه برای طلاق مورد استفاده قرار گیرد. در مقابل، در فقه اهل سنت، شرایط و معیارهای فقهی هر مذهب ممکن است متفاوت باشد. برای مثال، در مذهب حنبلی، فقیهان تأکید زیادی بر شرایط جسمی و روانی زن در تعیین عسر و حرج دارند و اگر زندگی زناشویی برای زن غیرقابل تحمل شود، او می‌تواند درخواست طلاق کند (کریمی، ۱۴۰۱). در نهایت، در فقه اهل سنت، به‌ویژه در مذهب مالکی، زن در موارد بیشتری نسبت به سایر مذاهب اهل سنت می‌تواند به دلیل عسر و حرج درخواست طلاق کند. این موضوع به‌ویژه در مورد عدم پرداخت نفقه، بدرفتاری جسمی و روحی و غیبت طولانی شوهر بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. در مقابل، در مذهب حنفی، زن تنها در موارد محدودتری می‌تواند به دلیل عسر و حرج درخواست طلاق کند و باید ابتدا تلاش‌های مختلفی برای حل مشکل انجام دهد (محمدی، ۱۳۹۹).

نتایج و پیشنهادات

شناخت و تبیین دقیق مصادیق عسر و حرج در فقه اسلامی برای تصمیم‌گیری صحیح قضایی در مسائل خانوادگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در بسیاری از موارد، قاضی باید بتواند شرایط و مصادیق عسر و حرج را به‌خوبی شناسایی کند تا بر اساس آن، تصمیمات عادلانه و مبتنی بر حقوق انسانی و اسلامی اتخاذ نماید. نادیده گرفتن عسر و حرج ممکن است به تبعات منفی برای خانواده‌ها منجر شود و آسیب‌هایی به ویژه به زنان وارد کند. بنابراین، تبیین دقیق این مفهوم و مصادیق آن در عمل می‌تواند به قاضی در فهم بهتر و تصمیم‌گیری عادلانه کمک کند (مظفری، ۱۴۰۰). نقش حاکم شرع و قاضی در ایجاد توازن میان حقوق زن و مرد در موضوع طلاق نیز بسیار حائز اهمیت است. در بسیاری از

موارد، زنان به دلایل مختلفی مانند عدم پرداخت نفقه، بدرفتاری و خشونت، غیبت شوهر و غیره به عسر و حرج دچار می‌شوند. در این موارد، حاکم شرع و قاضی باید بتوانند با در نظر گرفتن شرایط خاص هر دو طرف، توازن بین حقوق و تکالیف زن و مرد ایجاد کنند. در این راستا، حاکم شرع می‌تواند با توجه به قاعده «لا ضرر» و «لا حرج» به‌عنوان یک راهنما، در تصمیم‌گیری‌های خود عمل کند (کریمی، ۱۴۰۱). برای اصلاح قوانین خانواده بر اساس فقه اسلامی به منظور حمایت از زنان در شرایط عسر و حرج، پیشنهادات متعددی وجود دارد. یکی از این پیشنهادات، ایجاد یک نظام حقوقی جامع و مبتنی بر فقه اسلامی است که به‌طور خاص به وضعیت زنان در شرایط عسر و حرج پرداخته و حقوق آن‌ها را به‌خوبی تعریف کند. این نظام حقوقی می‌تواند شامل قوانین جدیدی باشد که حق درخواست طلاق را برای زنان در موارد عسر و حرج تسهیل کند و روندهای قانونی را کوتاه‌تر و ساده‌تر نماید (عباسی، ۱۴۰۰). پیشنهاد دیگر، آموزش و آگاهی‌بخشی به قضات و حاکمان شرع در زمینه مفاهیم عسر و حرج و نحوه اجرای آن در فرآیندهای قضایی است. برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی می‌تواند به قاضیان کمک کند تا با شرایط عسر و حرج آشنا شده و بتوانند در تصمیمات خود به‌درستی عمل کنند. این آموزش‌ها باید بر مبنای منابع معتبر و متون فقهی باشد تا قضات بتوانند به‌خوبی از آن‌ها بهره‌برداری کنند (الهی، ۱۴۰۱). همچنین، لازم است که نهادهای قضایی و حقوقی به وجود یک نهاد حمایتی برای زنان آسیب‌دیده از عسر و حرج توجه کنند. این نهاد می‌تواند به‌عنوان یک مرجع قانونی، مشاوره‌های لازم را به زنان ارائه دهد و آن‌ها را در فرآیندهای قضایی یاری کند. وجود چنین نهادی می‌تواند به زنان در آگاهی از حقوق خود کمک کند و آن‌ها را در مواجهه با مشکلات عسر و حرج حمایت کند (محمدی، ۱۳۹۹). در نهایت، لازم است که جامعه به‌ویژه نهادهای آموزشی و رسانه‌ها به آگاهی‌بخشی در مورد حقوق زنان در زمینه طلاق ناشی از عسر و حرج بپردازند. این آگاهی می‌تواند به کاهش تابوها و موانع فرهنگی در جامعه کمک کند و به زنان این امکان را بدهد که بدون ترس از قضاوت‌های اجتماعی، به دنبال حقوق خود بروند. در این راستا، نقش رسانه‌ها در ایجاد فضاهای گفت‌وگویی و فراهم کردن اطلاعات به‌روز درباره حقوق زنان می‌تواند بسیار موثر باشد (مظفری، ۱۴۰۰). در مجموع، شناخت و تبیین دقیق مصادیق عسر و حرج و ایجاد توازن میان حقوق زن و مرد در موضوع

طلاق از طریق حاکم شرع و قاضی، از اهمیت بالایی برخوردار است. اصلاح قوانین خانواده با هدف حمایت از زنان در شرایط عسر و حرج و توجه به نیازهای خاص آنها می‌تواند به تقویت حقوق زنان و حفظ خانواده‌ها کمک کند. این تلاش‌ها باید به صورت مستمر و نظام‌مند انجام گیرد تا نتایج مطلوبی در پی داشته باشد.

نتیجه‌گیری

در فقه اسلامی، مفهوم عسر و حرج به عنوان یکی از مهم‌ترین مباحث در زمینه طلاق و جدایی مطرح می‌شود. این مفهوم به شرایطی اشاره دارد که زندگی برای فرد، به‌ویژه برای زن، غیرقابل تحمل می‌شود و او را به مرحله‌ای می‌رساند که دیگر نمی‌تواند ادامه زندگی مشترک را تحمل کند. در چنین شرایطی، فقها بر این باورند که به زن اجازه داده می‌شود تا درخواست طلاق کند. این نگرش در واقع نشانه‌ای از توجه فقه اسلامی به حقوق و کرامت انسانی است. در فقه شیعه، حق طلاق به‌طور کلی به مرد اختصاص دارد، اما در شرایط خاص مانند عسر و حرج، زن نیز می‌تواند با استناد به این شرایط، درخواست طلاق کند. در این حالت، نقش حاکم شرع و قاضی بسیار مهم است؛ زیرا آن‌ها باید به‌دقت شرایط زن را بررسی کرده و تصمیماتی عادلانه اتخاذ کنند. بر اساس مبانی فقهی شیعه، قاعده «لا ضرر» و «لا حرج» به‌عنوان دو قاعده اصلی مطرح می‌شوند که در این زمینه به‌کار می‌روند. این دو قاعده به‌خوبی نشان می‌دهند که در صورت وجود عسر و حرج، ادامه زندگی مشترک برای زن ممکن نیست و بنابراین او باید امکان جدایی را داشته باشد. در فقه اهل سنت نیز دیدگاه‌های مختلفی در این زمینه وجود دارد. در میان مذاهب اهل سنت، مذهب مالکی به‌ویژه به زن اجازه می‌دهد که به‌طور مستقیم از قاضی درخواست طلاق کند. در حالی که در مذاهب دیگر، مانند حنفی و شافعی، زن ممکن است به اجازه شوهر برای درخواست طلاق نیاز داشته باشد. این تفاوت‌ها در واقع نشان‌دهنده تنوع فقهی و اجتهادات مختلف در این زمینه هستند که در پاسخ به نیازهای واقعی زنان در جامعه مطرح می‌شوند. مصادیق عسر و حرج در فقه اسلامی شامل مواردی همچون عدم پرداخت نفقه، بدرفتاری و خشونت، بیماری‌های لاعلاج شوهر، و غیبت طولانی شوهر می‌شود. این موارد می‌توانند به‌عنوان دلایل منطقی برای درخواست طلاق از سوی زن تلقی شوند. از دیدگاه فقهای شیعه، عدم همکاری شوهر در این موارد می‌تواند به‌عنوان مانع اصلی در فرآیند طلاق تلقی شود، و حاکم شرع می‌تواند بر اساس بررسی شرایط و شواهد موجود، اقدام به صدور حکم طلاق کند، بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های میان دیدگاه‌های فقهای شیعه و اهل سنت نشان می‌دهد که هر دو مکتب فقهی به‌نوعی به مسأله حقوق زنان در شرایط عسر و حرج توجه دارند. این تفاوت‌ها و شباهت‌ها نه تنها نشان‌دهنده پویایی فقه اسلامی در مواجهه با مسائل خانوادگی است، بلکه

می‌تواند به عنوان یک چارچوب برای بهبود وضعیت حقوقی زنان در جامعه نیز مورد استفاده قرار گیرد. در نتیجه، در این تحقیق می‌توان به این نکته اشاره کرد که فقه اسلامی با درک شرایط واقعی زندگی و نیازهای اجتماعی زنان، تلاش کرده است تا اصول عادلانه‌تری را برای حل و فصل مسائل خانوادگی مطرح کند. بنابراین، ضروری است که قوانین و مقررات جاری در جامعه نیز به گونه‌ای تنظیم شوند که به حقوق و نیازهای زنان در شرایط عسر و حرج توجه داشته باشند و راهکارهایی را برای حمایت از آنها فراهم آورند. در این راستا، پیشنهاد می‌شود که نهادهای حقوقی و قضایی کشورها به تدوین و اجرای قوانینی بپردازند که در آن حقوق زنان به‌ویژه در شرایط عسر و حرج به‌طور شفاف و واضح تعریف شود. این اقدامات می‌تواند به ایجاد توازن میان حقوق و وظایف زن و مرد در مسائل خانوادگی منجر شود و به بهبود شرایط زندگی زنان در جامعه کمک کند.

استناد:

<http://doi.org/0.30510/pscci.2025.527511.1293>

تبیین سیاست‌ها و دیدگاه‌های فقهای شیعه و اهل سنت در خصوص طلاق ناشی از عسر و حرج با نگاهی به حقوق مدنی ایران

منابع

- عبدالله، احمد و همکاران. (۱۴۰۰). تحلیل تطبیقی طلاق ناشی از عسر و حرج در فقه مذاهب اهل سنت. پژوهشنامه حقوق اسلامی، ۱۵(۳)، ۱۲۰-۱۳۵.
- عبدالله، مصطفی و همکاران. (۱۴۰۰). طلاق ناشی از عسر و حرج در فقه مذاهب اسلامی. پژوهشنامه حقوق اسلامی، ۱۵(۳)، ۱۳۵-۱۲۰.
- الهی، حمید. (۱۴۰۱). تحلیل تطبیقی قاعده لا حرج در فقه شیعه و اهل سنت. نشریه پژوهش‌های اسلامی، ۲۵(۲)، ۸۵-۱۰۵.
- الهی، مهدی. (۱۴۰۱). مفهوم عسر و حرج در فقه شیعه. مجله فقه و حقوق اسلامی، ۱۲(۱)، ۴۵-۲۵.
- کریمی، علی. (۱۴۰۱). نقش عسر و حرج در فقه اهل سنت: مقایسه میان مذاهب. مجله فقه اهل سنت، ۱۰(۳)، ۷۵-۹۰.
- کریمی، سارا. (۱۴۰۰). مفهوم عسر و حرج در فقه اهل سنت: تطبیق و بررسی مقایسه‌ای. مجله پژوهش‌های اسلامی، ۱۸(۴)، ۱۱۰-۱۲۵.
- کریمی، سارا. (۱۴۰۱). تفاوت‌ها و شباهت‌های فقه شیعه و اهل سنت در زمینه طلاق به دلیل عسر و حرج. فصلنامه فقه و حقوق، ۱۲(۴)، ۹۸-۱۱۵.
- مظفری، علی. (۱۳۹۸). نقش حاکم شرع در طلاق‌های ناشی از عسر و حرج در فقه امامیه. نشریه مطالعات فقهی، ۱۰(۱)، ۸۰-۹۵.
- مظفری، علی. (۱۳۹۹). مقایسه مصادیق عسر و حرج در مذاهب چهارگانه اهل سنت. مجله فقه و حقوق اسلامی، ۱۹(۱)، ۹۰-۱۰۵.
- مظفری، علی. (۱۴۰۰). تحلیل فقهی عسر و حرج در طلاق از منظر مذاهب اهل سنت. نشریه مطالعات فقهی، ۱۵(۳)، ۸۰-۹۵.
- مظفری، علی. (۱۴۰۰). پیشنهادات اصلاحی برای حملیت از زنان در طلاق ناشی از عسر و حرج. نشریه حقوق زنان، ۲۲(۳)، ۷۵-۸۹.
- محمدی، احمد و همکاران. (۱۳۹۹). قاعده نفی ضرر و لا حرج در احکام شرعی. مجله فقه و اصول، ۱۸(۴)، ۸۰-۶۵.
- محمدی، احمد. (۱۳۹۹). بررسی وضعیت حقوقی زنان در طلاق ناشی از عسر و حرج. مجله مطالعات اجتماعی، ۲۵(۲)، ۸۰-۹۵.
- محمدی، سارا. (۱۳۹۹). حقوق زنان در موارد عسر و حرج در فقه اهل سنت. پژوهش‌های زنان و خانواده، ۲(۴)، ۱۰۱-۱۱۵.
- نعیمی، رضا. (۱۴۰۲). جنبه‌های فقهی و اجتماعی عسر و حرج: بررسی مصادیق و تأثیرات. فصلنامه حقوق اسلامی، ۱۶(۲)، ۸۰-۹۵.

حسینی، حسن. (۱۳۹۹). نقش عسر و حرج در فقه اسلامی و حقوق ایران. مجله پژوهش‌های اسلامی، ۱۷(۳)، ۶۰-۴۵.

عباسی، علی. (۱۴۰۰). نقش قاضی در توازن میان حقوق زن و مرد در طلاق. مجله پژوهش‌های خانواده، ۳(۲)، ۱۱۵-۱۰۰.

عباسی، فاطمه. (۱۴۰۰). تأثیرات اجتماعی عسر و حرج بر زنان و تصمیم‌گیری‌های آنان. مجله مطالعات اجتماعی، ۱۵(۱)، ۵۸-۴۰.